

فردوس کاویانی درگذشت

وداع با بازیگری که دل یک ملت را شاد کرد



صبح سه‌شنبه یازدهم مهرماه جمعی از هنرمندان و دوستاندارن فردوس کاویانی در محوطه خانه هنرمندان ایران گردهم آمدند تا این بازیگر قدیمی را بدرقه خانه ابدی خود کنند. اصغر همت که اجرای مراسم را برعهده داشت فردوس کاویانی را مظهر پندر نیک، کردار نیک و گفتار نیک نامید و گفت: آن عکسی که پنج نفر بازیگر اصلی اژانس دوستی در آن هستند و فکر میکنم بعداز آن پنج تن اصلی، پنج تن ثانویه است، الان دیگر سه نفر آنها در میان ما نیستند.

شهرام گیل آبادی، رییس انجمن کارگردانان خانه تئاتر به عنوان یکی از سخنران‌های مراسم گفت: اگر ما هنرمندان زمان‌شناس نباشیم، نمی‌توانیم کنار مردم قرار بگیریم و فردوس کاویانی چنین ویژگی را داشت.

پژمان باذغی، رییس انجمن بازیگران خانه سینما یا تسلیت به اهالی تئاتر و سینما و نیز زرتشتیان و مردم کرمان و با اشاره به اینکه به احترام آنها لباس سفید پوشیده است، گفت: من نظم و انضباط را به‌ عنوان یک جوان در سریال اژانس دوستی یاد گرفتم در حالی که همیشه در انجمن از بی‌نظمی بازیگران جوان زیاد صحبت می‌شود.

یکشنبه شب یادبود عمومی انجمن صنفی کارگردانان تئاتر ایران تأیید کرد که فردوس

کاویانی کارگردان و بازیگر پیشکسوت تئاتر در منزل اش دار فانی را وداع گفت. فردوس کاویانی ۳۲ مهر ماه ۱۳۲۰ در کرمان متولد شد و در ماه تولدش درگذشت. این هنرمند در سال‌های اخیر با بیماری پارکینسون دست و پنجه نرم می‌کرد، او با سریالی چون همسران به شهرت رسید و در سریال‌های چون «مش خیرالله صندوقچه اسرار»، «محلّه بهداشتت»، «همسران»، «محلّه برو و بیا»، «اژانس دوستی» و □ به ایفای نقش پرداخت.

کاویانی در فیلم‌های چون «جاره نشین‌ها»، «سگ کشی»، «نارنجی پوش»، «میکس»، «کلانتری غیرانتفاعی»، «بانو»، «سلاوالان»، «هامون»، «در مسیر تنبداد»، «همه دختران من»… هم بازی کرده است.

خیلی‌ها از شنیدن خبر درگذشت فردوس کاویانی غمگین شدند بخصوص آنکه در پنج، شش سال گذشته به توصیه پزشکان حتی امکان برقراری تماس تلفنی یا دیدار حضوری برای همکاریانش مهیا نمی‌شد چرا که برای بهبود حالش بهتر بود از هر هیجانی دور باشد.

تا پیش از سال ۱۳۹۶ و مراسم «شب بازیگر»، فردوس کاویانی در ذهن خیلی از همکاران و دوستدارانش بازیگری بود که صرفاً از عرصه بازیگری دور شده اما در آن شب اردیبهشتی کاهش وزن قابل توجه و ضعف

جسمانی چهره دیگری از زندگی آن روزهای او را نشان داد. کاویانی در آن مراسم نتوانست صحبت کند و فقط در یک جمله کوتاه گفت: «امروز خیلی خوشحالم»

یک سال بعد در جشن نوروزگان خانه تئاتر ۱۲ هنرمند باسابقه همچون همچون فردوس کاویانی، صدیقه کیان‌فر، ژاله علو، شمسی فضل‌اللهی، داریوش اسدزاده، پری صابری، سعید پورصمیمی، توران مهرزاد، اسماعیل خلج، شهلا ریاحی و آرژتا لاجینی تقدیر شدند ولی کاویانی دیگر شرایط مساعادی برای حضور نداشت. حتی در سال ۱۳۹۸ هم که مراسم دیگری این بار در خانه سینما برای تقدیر از او برگزار شد فردوس کاویانی به دلیل شرایط

خاص‌اش نتوانست به سالن مملو از جمعیت «سینماالله داد» خانه سینما برود، در آن شب هنرمندانی همچون مسعود جعفری‌جووانی، حمید جبلی، حسن فتحی، علیرضا خمسه، فاطمه معتمد آریا، صدرالدین زاهد، مهراوه مهین‌ترایی و نیز داریوش مهرجویی (ویدیویی) درباره این بازیگر صحبت کردند.

و به این ترتیب چند پیام تصویری کوتاه که در همان خانه سینما یا یک برنامه تلویزیونی از کاویانی پخش شد، دیگر از این بازیگر خبر چندانی نبود؛ در صورتی‌که او پیش از حذر شدن حال و احوالش – در یکی دو سال اخیر –

حسین محبوب معرفی می‌کرد. حضور او در سینما تا ابتدای دهه ۹۰ با بازی در بیش از ۲۵ فیلم سینمایی ادامه پیدا کرد.

وی گسه در چند فیلم با داریوش مهرجویی همکاری کرده بود، می‌گفت: «داریوش مهرجویی که توانست فیلمی همچون «جاره نشین‌ها» را بسازد حتماً می‌توانست کارهای کمیک دیگری را هم بسازد اما نمی‌دانم به چه دلیل تکرار نشد. شاید جایی دلخوری‌هایی پیش آمد چون کار طنز در سینما، تئاتر و تلویزیون از بقیه‌زاثرها سخت‌تر است.»

فردوس کاویانی در دوران بازیگری‌اش در سینما انطور که خودش تأکید می‌کرد، نقش‌های مکمل ظریف را به نقش‌های اول به درد نخور ترجیح می‌داد؛ برخلاف تئاتر که در آنجا بیشتر نقش اول بازی کرد، او می‌گفت: «به نظرم در سینما نقش‌های مکمل، گویاتر از نقش‌های اول بودند و تمام سعی‌ام بر این بود که یک ملت را شاد کنم.»

یک روایت کمتر شنیده شده

از فردوس کاویانی

هادی مرزبان از فردوس کاویانی به عنوان یار وفادار خود یاد کرد و گفت: در کنارتش بسیار آموختم.

این کارگردان پیشکسوت تئاتر که در بسیاری از نمایش‌هایش با کاویانی همکاری داشته است، در گفتگو با ایسنا، با ابراز تأسف از درگذشت این هنرمند یادآوری کرد: از همان اوایل سال ۶۳ که نخستین نمایشنامه را از اکبر رادی روی صحنه بردم، فردوس کاویانی یار وفادار من بود و در بدون اغراق در تود و نه درسد نمایش‌هایم بازی کرد.

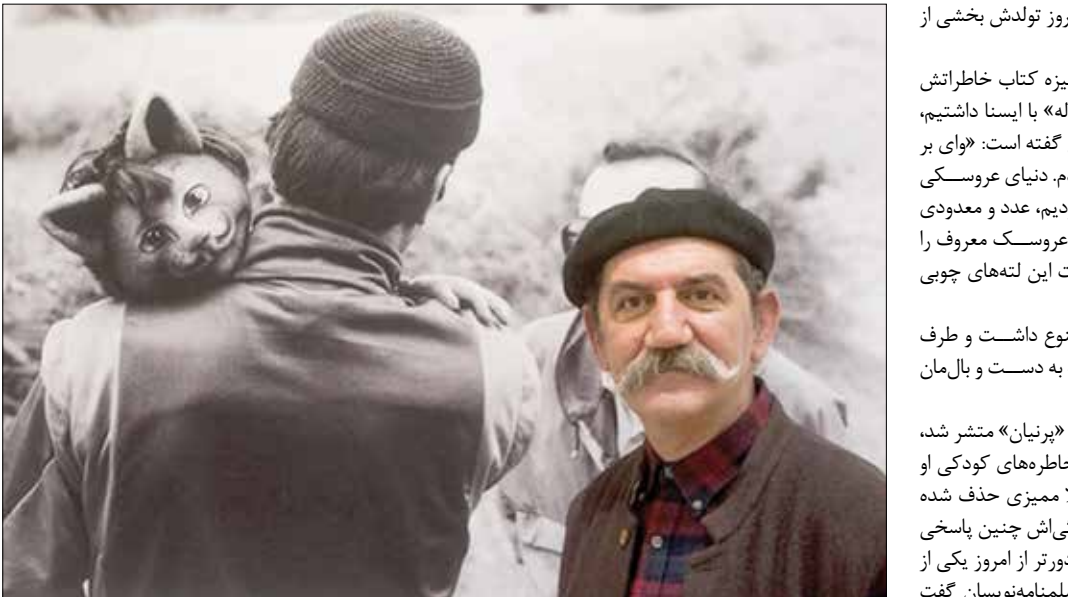
او ادامه داد: فردوس یک بازیگر کاملاً تئاتری بود و همواره تئاتر برایش اولویت داشت. این گونه نبود که وقتی کاری در تصویر نداشته باشد، سراغ تئاتر بیاید. همیشه پیش از اینکه بسرای پروژه‌های تصویری‌اش قرارداد ببندد، با من تماس می‌گرفت و با لجهج شیرینش می‌گفت: «هادی جان قصد نداری تئاتر کار کنی؟» یعنی تا این حد به تئاتر اهمیت می‌داد. مرزبان از کاویانی به عنوان بازیگری یاد کرد که به مکتب استانیلاوسکی توجه داشت و در این زمینه وسواس به خرج می‌داد.

او که آخرین بار در نمایش «تنگگوی تخم مرغ داغ» با کاویانی همکاری داشته است، یادآوری کرد: وقتی سال ۹۳ می‌خواستم دوباره ایسن نمایش را کار کنم، فردوس دچار بیماری شده بود. با این حال اصرار داشتم نقشی هرچند کوچک در نمایش داشته باشد چون فکر می‌کردم برای حالش خوب خواهد بود که خوشبختانه آمد و چندتر هم خوب شد. همیشه از کار کردن با او لذت می‌بردم و به عنوان یک هنرمند تئاتر در کنارتش بسیار آموختم.

هادی مرزبان در نمایش‌های «پلکان»، «آهسته‌با گل سرخ»، «شب روی سنگفرش خیس»،«لبخند باشکوه آقای گیل»، «هاملت با سالاد فصل» و … که همه اینها آثار اکبر رادی هستند، با کاویانی همکاری داشته است.

آخرین همکاری آنان به سال ۹۳ برمی‌گردد که طی آن مرزبان برای دومین بار نمایش «تنگوی تخم‌مرغ داغ» را در تالار وحدت روی صحنه برد و علی‌ نصیریان نیز ایفاگر یکی از نقش‌های این نمایش بود.

تولدی برای حمید جبلی که ۱۰ برابر عمرش زندگی کرده



مدت عکاس گروه بودم. دوستان عکاس می‌دانند عکاسی با نگاتیو و حساسیت ثابت و نورهای کم با حرکت بازیگران، سرعت شاتر … یعنی چه که البته آن عکس‌ها را قرار است یک روز به کمک آتیلیا عزیز چاپ کنیم» حلالا آتیلیا عزیز او، در گیر بیماری است و ما نیز در سالروز تولد جبلی آرزوی می‌کنیم که او سلامتی‌اش را بازیابد.

یک تعزیه‌خوان قدیمی مطرح کرد

باید هنر تعزیه را به جهان ارائه کنیم

می‌شود. میرزا احمدی با تأکید بر ضرورت اجرای گروه‌های تعزیه‌خوان کشورمان در خارج از کشور خاطرنشان کرد: امیدوارم کار تعزیه هر چه پیشتر گسترش پیدا کند و مسئولان ما بیشتر به آن بها دهند. البته در دو سه سال اخیر توجه بسیار خوبی از سوی وزیر ارشاد و مدیر کل هنرهای نمایشی صورت گرفته که این مجالس را منعقد کردند ولی توقع ما توجه بیشتر است. بخصوص فرستادن گروه‌های تعزیه‌خوان به دیگر کشورها بسیار لازم است تا از این راه بتوانیم این هنر دینی و سنتی خود را به دیگر کشورها ارائه کنیم.

او تأکید کرد: خوب است مسئولان فرهنگی به فراخور حال، هر گروهی را که صلاح دیدند، برای اجرا به دیگر کشورها بفرستند. همچنانکه پیش از این هم این سفرها انجام شده و خود من در اوینوی فرانسه، ارمنستان و عراق اجرا دادم و استقبال دارم این سفرها در معرفی هنر دینی و سنتی ما بسیار تأثیر گذار است.

تشکی می‌خواهیدم که خسنیگ‌ام در برود و دوباره پرواز می‌کردم. یک شب فرشته‌ای بد حجاب و بدلباس روی ابرها کلنرم آمد و لبخند زد و من آنقدر از عاقبت کار ترسیدم!» او درباره همکاری‌اش با گروه تئاتر «بازی» نیز توضیح داده بود: «این گروه که توسط آتپلا پسیانی شکل گرفت، حدود چهل سال است که فعالیت می‌کند و من در این

به این پرسش که با توجه به مناسبتی شدن هنر تعزیه، جشنواره نمایش‌های آیینی سنتی قدرم می‌تواند در جلب توجه بیشتر به این هنر تأثیرگذار باشد، توضیح داد: جشنواره‌ها تأثیر گذار هستند و تعزیه هم مختص دهه عاشورا یا ماه مبارک رمضان و ایام فاطمیه نیست بلکه برای هر روز سال تعزیه داریم و هر روزی، مجلس تعزیه خود را دارد. همچنانکه در حضرت امام خمینی پرسیدند با روی کار آمدن حکومت اسلامی نیازی به تعزیه داریم یا نه که ایشان دستور دادند تعزیه‌خوانی و روضه خوانی از شعار ملی و دینی ماست و به زمان خاصی نیاز ندارد.

میرزا احمدی ادامه داد: همانطور که تعزیه شهادت امامان را داریم، برای تولدها، شجاعت‌ها، جنگ‌ها و عروسی‌هایشان هم تعزیه‌های مخصوص داریم ولی متأسفانه کمتر به این مجالس پرداخته می‌شود. به طوری که امروزه مردم به یکسری تعزیه‌های ثابت مانند

فرهنگی

نگاه

مردی که عاشق زبان فارسی بود

امید طبیبیزاده*

بنده سال‌ها افتخار شاگردی استاد ابوالحسن نجفی را داشتم و در تمام این مدت دو ویژگی ایشان برام بسیار قابل توجه و تحسین‌برانگیز بود؛ یکی عشق و ارادت بسیارش به زبان فارسی به‌حدی که گاه در برخی مجامع سخنان خود را با عبارتی نظیر «به نام زبان فارسی» آغاز می‌کرد، و دیگری خصلت معلمی و شیوۀ بی‌نظیرش در کار بحث و انتقال اطلاعات و دیدگاه‌هایش به شاگردان و دوستانش.

من واقعاً نمی‌دانم آیا استاد نجفی زبان فارسی را مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی ایرانیان می‌دانست یا خیر، اما به چشم خود دیده بودم که برای خود قائل به هیچ رسالتی نبود مگر ارتقای سطح فرهنگی همین هویت ملی از طریق تقویت و گسترش هرچه بیشتر زبان فارسی. او به‌درستی معتقد بود که زبان فارسی طی قرن‌ها یگانه ابزار انتقال معارف گوناگون در میان ایرانیان بوده است، و نیز باور داشت که برای حفظ این توانمندی زبان فارسی و مخصوصاً جهت صیانت از آن در مقابل زبان انگلیسی، باید این زبان را با توجه به نیازها و فتاوری‌های جدید هرچه بیشتر تقویت کرد. او علاقه بسیار به خواندن و ترجمه و نقد رمان داشت، و من تصور می‌کنم حتی در این مورد هم قبیل از هرچیز به تقویت زبان فارسی توجه داشت، به‌طوری که شاید اگر فایده‌ای در این کار برای زبان فارسی و فرهنگ ایرانی نمی‌یافت، آن را رها می‌کرد. کافی است نگاهی به نقش او در جنگ اصفهان بیندازیم تا به تأثیر شگرف او بر کار برخی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان معاصر زبان فارسی بی ببریم. جالب است که در زمانهای که رمان برای غالب نویسندگان ایرانی مبدل به ابزاری برای بیان افکار و عقاید سیاسی شده بود، او به‌درستی از ارزش ادبی و معیارهای زبانی و هنری سخن می‌گفت، و صریحاً و بی‌باکانه متذکر می‌شد که اگر نویسندهای تمام انرژی و توان خودش را صرف یافتن ساخت و سبک مناسب خود برای بیان روایتش بکند، حاصل کارش خدوبه‌خود آینه اتفاقات جامعه و افکار سیاسی نویسندۀاش خواهد شد و دیگر لازم نیست که مستقیماً به سیاست و شعار بپردازد.

اما او در کار معلمی از شیوه سقراط پیروی می‌کرد و می‌کوشید تا حقیقت هر کس را با طرح چند سؤال ساده از درون خودش بیرون بکشد. شاید ذکر خاطره‌ای در این زمینه بهتر از هر توضیحی مبنی شیوه او باشد. روزی در اوایل دهه ۱۳۷۰ در اتاقش در مرکز نشر دانشگاهی در محضرش نمودم که صحبت از سینما شد. آن روزها دو فیلم معروف را در سینماهای تهران نمایش می‌دادند که هم من و هم نجفی هر دو فیلم را دیده بودیم، یکی فیلم دانتون (۱۹۸۳) به‌کارگردانی آندری وایدا و بازیگری ژرار دوپاردیو، و دیگری فیلم زندگی و دیگر هیچ (۱۹۸۹) به‌کارگردانی برتران تاورنیه با بازیگری فیلیپ نواره. من، شاید چون هنوز جوان بودم و فکر می‌کردم دنیا اصلاح‌پذیر است، دانتون را ترجیح می‌دادم، او را شاید چون به‌فراسد دریافته بودم که درنهایت چیزی جز شوق به فریاد آدمی نمی‌رسد، فیلم زندگی و دیگر هیچ را پس‌ندیدم. بچمان به درازا کشید و او درنهایت از من پرسید که اگر قرار باشد یکی از آن دو فیلم را دوباره ببینم، کدام یک را انتخاب می‌کنم، و در کمال حیرت دیدم که فیلم زندگی و دیگر هیچ را انتخاب می‌کنم! جالب است که امروز هم بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال از آن ایام، تقریباً هیچ چیز از فیلم دانتون در خاطرم نمانده- مگر البته قدری حمام خون و برخی اطوارهای اغراق آمیز روسپیبر و دانتون- اما تقریباً تمام فضای حاکم بر فیلم زندگی و دیگر هیچ هنوز در ذهنم زنده است و هنوز هم اگر فرصتی دهد قدم بدم نمی‌آید دوباره آن فیلم را ببینم.

نجفی بر ادبیات قدیم فارسی احاطه داشت، ادبیات مدرن جهان را می‌شناخت، زبان‌های فرانسوی و انگلیسی را به‌خوبی می‌دانست، با زبان عربی آشنایی داشت، و نظریه نقش‌گرای مارتنه را که هنوز هم یکی از قوی‌ترین نظریه‌های زبان‌شناسی است از محضر خود مارتینه در دانشگاه سوربن فرانسه گرفته بود.

او هیچ‌گاه فارغ از کار ترجمه و تألیف و تدریس نبود و این همه وی را مبدل به یکی از برجسته‌ترین ادیبان و زبان‌شناسان زبان فارسی کرده بود. یادش گرمی و راهش بررهوره باد!

✽**منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی**

اخبار کوتاه

معاون هماهنگی بنیاد رودکی منصوب شد

مدیر عامل بنیاد رودکی، طی حکمی عباس زارع را به سمت معاون هماهنگی تالارها و مراکز بنیاد رودکی منصوب کرد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، در حکم انتصاب مهدی سالم خطاب به عباس زارع آمده است: «نظراً به تصویب ساختار تشکیلاتی جدید بنیاد رودکی توسط هیأت امناه در تاریخ ۲۰ تیر ۱۴۰۰ و ساختار تفصیلی آن توسط هیأت مدیره در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۴۰۰ بنا بر نهاده، تخصص و تجارب ارزشمند جنابعالی، به موجب این حکم به سمت «معاون هماهنگی تالارها و مراکز» منصوب می‌شوید. برنامه ریزی فرهنگی و هنری تالارها و مراکز و نظارت بر اجراها، اهتمام لازم به منظور توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری از طریق ارتباط و رایزنی با سایر سازمان‌ها و نهاده‌ها، برنامه ریزی جهت توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری در فضای مجازی، همکاری با رؤسای تالار وحدت و برج آزادی جهت ارتقای کمی و کیفی برنامه‌های فرهنگی و هنری، از جمله مهمترین انتظارات اینجانب است. توفیق جنابعالی را از خداوند منان مسئلت می‌نمایم.»
سالم همچنین از زحمات حامد فاتحی معاون سابق هماهنگی بنیاد که با پایان دوره مأموریت به دستگاه متبوع بازنشسته، مقرر است برای وی در ادامه مسیر خدمت آرزوی توفیق کرد.
زارع پیش از این معاون اخبار و رسانه مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ بوده است. از دیگر سوابق وی می‌توان به مدیر کلی فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران اشاره کرد.

حسین قدیمی درگذشت

حسین قدیمی دستیار فیلمبردار قدیمی سینمای ایران ۱۰ مهر ماه از دنیا رفت. مهدی اصلائی رییس انجمن دستیاران فیلمبردار در گفت‌وگویی با خبرنگار ایسنا این خبر را تأیید کرد و گفت: «طبق اطلاعی که از خانواده‌اش گرفتم، ایشان طی چند وقت اخیر در کاشمر بودند و به دلیل مشکلات ربوی که طی چند روز گذشته اتفاق افتاده بود، از دنیا رفته است.

به گفتنی‌اوا طی چند روز آینده با انتقال پیکر حسین قدیمی به تهران، قرار است این هنرمند در قطعه هنرمندان تهران به خاک سپرده شود. او متولد ۱۳۲۹ بود و در مقام دستیار فیلمبردار با فیلم‌های چون «آوازخوان»، «هنجه در خاک»، «شاهرگ»، «راه مرگ»، «جهنم سبز»، «بندر مه آلود»، «آفتاب‌نشین‌ها»… و همکاری داشته است.

«کلنل» وارد تالار وحدت می‌شود

کنسرت نمایش «کلنل» به کارگردانی امیر بشیری پاییز سال جاری در تالار وحدت روی صحنه می‌رود. به گزارش ایسنا، مشاور رسانه‌ای این نمایش اعلام کرد: روایتی از زندگی و زمانه محمدتقی خان پسیان در کنسرت نمایش «کلنل» نویسنده‌گی امیر تقایی و کارگردانی امیر بشیری به صحنه می‌آید. این کنسرت نمایش قرار است با تهیه‌کنندگی امین اشرفی پاییز سال جاری در تالار وحدت اجرا شود. حسن جودکی مجری طرح «کلنل» است که با حضور چهره‌های مطرح موسیقی و تئاتر ایران تولید و روی صحنه می‌رود. بررسی رشادت‌های کلنل محمدتقی خان پسیان اولین خلبان ایرانی، به عنوان یکی از شخصیت‌های مبارز، وطن‌پرست و مستقل، ضرورت تولید چنین اثری را در زمانه‌ای که مسأله اصلی مردم و مخاطبان هنر کشور جنگ روایت‌ها از تاریخ معاصر است، بیشتر از گذشته نمایان می‌کند. تنوع جغرافیایی در زندگی کلنل پسیان این فرصت را ایجاد می‌کند که روایتی ملی از تیریز و همدان تا مشهد و تهران و آلمان به منصف ظهور برسد و از یک جهت نیز پراخ‌دند. به سوزه‌های این‌چنین ملی می‌تواند ارتباط بسیار قدرتی با مخاطبان برقرار کند.

مهران غفوریان در «بی سر و صدا»

بهرام دهقانی فیلم سینمایی «بی سر و صدا» ساخته مجیدرضا مصطفوی را تدوین می‌کند. به گزارش ایسنا به نقل از مشاور رسانه‌ای پروژه، فیلمبرداری فیلم سینمایی «بی سر و صدا» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مجیدرضا مصطفوی و نویسندگی مشترک مهیار حمیدیان و امین اشرفی می‌شود. فیلم است به پایان رسیده و این روزها بهرام دهقانی در حال تدوین این فیلم است. «بی سر و صدا» دومین همکاری دهقانی و مصطفوی بعد از فیلم «استیجیات» است. پیمان معادی و مهران غفوریان از جمله نقش‌آفرینان این فیلم هستند و دیگر بازیگران آن که از چهره‌های شناخته شده سینما هستند، در اختیار بعدی معرفی خواهند شد. تهیه‌کننده و کارگردان: مجیدرضا مصطفوی، مدیر فیلمبرداری: روزبه رایگا، تدوین: بهرام دهقان، نویسندگان: مهیار حمیدیان و مجیدرضا مصطفوی.



یک تعزیه‌خوان پیشکسوت بسر ضرورت

اجرای تعزیه در دیگر کشورها و معرفی این هنر به مردمان دیگر نقاط جهان تأکید کرد. ابوالفضل میرزا احمدی، عضو هیات داوران بخش شبیه‌خوانی بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی سنتی در گفتگو با ایسنا آثار رسیده به این بخش را دارای کیفیتی قابل قبول دانست اما تأکید کرد که هنر تعزیه نیازمند توجهی بیشتر و اجرا در